



سخن می گویند؛ تجربه شخصی شما از ممیزی چه بوده و اساساً چه زمانی به نظر شما اعمال ممیزی قابل انتظار یا طبیعی است؟

من در این روزها محدودیت جدی نمی بینم، مگر آن که اثری فاصله زیادی از چارچوب ادب و اخلاق داشته باشد؛ در آن صورت، طبیعتاً ممیزی اعمال می شود.

در شرایط اجتماعی امروز، موسیقی ایران برای مردم چه معنایی پیدا کرده و اگر قرار باشد آن را در یک جمله خلاصه کنید، آن جمله چیست؟

موسیقی، تنها پناه مردم ایران از فشارهایی است که سال هاست بر دوش می کشند.

با توجه به تغییرات اقتصادی، شکل برگزاری کنسرت ها و رابطه هنرمندان با سرمایه گذاران، امروز چه عواملی را بزرگترین تهدید برای استقلال و کیفیت موسیقی ایران می دانید و در برابر آن، چه نشانه هایی همچنان به آینده این هنر امید می دهید؟

بزرگترین تهدید، گرایش خوانندگان بزرگ موسیقی ایران به پول بانک هاست؛ به طوری که بدون حمایت مالی بانک ها و اسپانسرها دیگر نمی توانند روی صحنه بیایند.

و بزرگترین امید من، مخاطبانی هستند که همچنان به موسیقی پناه می آورند.

اگر امکان تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست گذاری موسیقی کشور را داشتید، به نظر شما اصلاحات باید از کدام بخش آغاز شود و چه اولویتهایی را برای سامان دهی آموزش، تولید، اجرا و ارتباط با مخاطب در نظر می گرفتید؟

موسیقی را به یکی از درس های اجباری مدارس ایران تبدیل می کردم.

اوپرا چه طور وارد جهان هنری شما شد و چه ظرفیتی در این قالب می بینید که آن را برای کارهای خودتان مناسب می دانید؟

از آن جایی که جای اپرا در تاریخ موسیقی ما بسیار کم رنگ بوده، این ژانر برای من جذاب و اثر گذار است. با توجه به تحصیلاتم، علاقه مندم اپراهایی بر اساس تاریخ و افسانه های ایرانی بنویسم.

در شرایط کنونی، چه عواملی بیشترین تأثیر را بر مسیر حرفه ای و استقلال هنری خوانندگان دارند و مهم ترین چالش آن ها چیست؟

مهم ترین مشکل، نداشتن توانایی های فنی و علمی موسیقی آکادمیک است و پس از آن، ناآشنایی با مسیر درست پیشرفت و رنج و تلاش در جامعه.

بسیاری از افراد مسیر اشتباهی را انتخاب می کنند و می خواهند با استفاده از فضای مجازی، در سریع ترین زمان و با کمترین هزینه و دانش به موفقیت برسند؛ مسیری که شانس موفقیت در آن بسیار کم است.

آیا فکر می کنید موسیقی ایران با کمبود استعداد مواجه است یا مشکلات اصلی بیشتر مربوط به فرصت ها، حمایت ها و ساختارهای حرفه ای است؟

خیر. موسیقی ایران بیش از هر چیز از تفکرات خودپرستانه و خودخواهانه برخی اهالی موسیقی رنج می برد. و گر نه در طول تاریخ، هیچ سیاستی

نتوانسته مانع پیشرفت هنر شود.

رویکرد شما در اجرای زنده، که اغلب با حضور پرشور و تعامل مستقیم با مخاطب همراه است، تفاوت چشمگیری با کنسرت های معمول موسیقی سنتی دارد. آیا این سبک اجرا تلاشی آگاهانه برای شکستن «چهارمین دیوار» و بازگرداندن حس مجلس موسیقی قدیمی به صحنه است؟

از آن جایی که نگاه داشتن مخاطب موسیقی سنتی در سالن و دوباره بازگرداندنش به سالن بسیار کار دشواری است، می بایست هیجان مخاطب را برانگیخت و شیدایی را به موسیقی افزود تا نیاز روح زخمی و آسیب دیده مخاطب امروز را جلا بکشید. از این رو انتخاب مکتب شیدایی و ادبیات این گونه در رأس شیوهی اجرای کنسرت های من قرار گرفته است.

با توجه به این که موسیقی سنتی بر اساس مکتب استاد. شاگردی شکل گرفته، آیا نظام آموزشی آکادمیک فعلی ظرفیت پرورش هنرمندان نوآور را دارد؟

خیر، بدون شک این شیوهی آموزش استاد - شاگردی و غیر آکادمیک در ایران هرگز چهره های ماندگار نخواهد آفرید. حتی صدای بسیاری از چهره های مشهور سرشار از آسیب دیدگی است و آن نیز یک سمبل و معیار اشتباه برای نسل های بعد خواهد بود، مگر آن که آهسته آهسته دیدگاه آموزش آکادمیک در طی سال های آینده جایگزین گردد.

استفاده از زبان ها و گویش های محلی، مانند گیلکی، در آثار شما چه جایگاهی دارد؟

رنگ و بوی موسیقی محلی گیلان در ذات صدای من است. من با آن نغمه ها زاده شده ام و با بهره بردن از نغمه ها و حال محلی گیلان، مکتب موسیقی ایرانی ام را رنگ و بویی متفاوت بخشیده ام.

موسیقی بکر یعنی موسیقی محلی. شما هم با مخاطب عام ارتباط دارید و هم مخاطب جدی موسیقی دستگاهی. این دوگانه چگونه مدیریت می شود؟

بدون شک استفاده از موسیقی و سازهای دستگاهی اولویت من است و سال هاست که با گروه مستان، با سازهای ایرانی در سراسر ایران به اجرای برنامه مشغولم و با اقبال بالایی روبه رو

هستم.

یکی از دلایل این موفقیت این است که آن چه برای مردم دارای ارزش و فرهنگ است را با زبان امروز اجرا کرده ام و به بهانه های کشاندن مردم به سالن، رنگ و بوی موسیقی ام را به سمت موسیقی پاپ نکشیده ام.

حمایت نهادهای دولتی چه تأثیری بر استقلال هنرمند دارد؟

حمایت نهادهای دولتی مانند بانک ها این روزها در سرنوشت برخی از خوانندگان تغییرات چشمگیری داشته است، اما پشت پردهی اقتصادی و حمایت آن ها مجهول است. بدون شک دیر یا زود این خوانندگان قربانی خواهند شد. اما من و آن هایی که مستقل کار کرده ایم، موفقیت های واقعی و اثرگذاری بیشتری در جامعه داشته و خواهیم داشت.

ارگان های دولتی حمایتشان همیشگی نیست و اثرگذاری هنرمندی که پشتوانه ای دولتی دارد، در مسیر اهداف دولتی است که ماندگاری پایدار خواهد داشت.

با توجه به گسترش پلتفرم های دیجیتال، نقش شما در این فضا چیست؟

درو، ماهم فعالیت های فروش در فضای مجازی داریم، اما بدون شک بسیار ناچیز است. این روزها تنها منبع درآمد خوانندگان، کنسرت هایی است که اجرا می کنند و اگر خواننده ای در مسیر درست قرار نگیرد و با اقبال عمومی روبه رو نشود، سرنوشتی تلخ خواهد داشت.

موسیقی شما تا چه حد می تواند در سلامت روان و تأمل جامعه نقش داشته باشد؟

بدون شک موسیقی همراه با ادبیات کلاسیک، به ویژه عرفانی ما، تأثیر بالایی روی کسانی دارد که پیرو مکتب های ادبیات پارسی هستند و به عرفان علاقه مندند و یک دیدگاه ویژه ی انسانی را دنبال می کنند.

چه زمانی متوجه شدید مسیر متفاوتی را در موسیقی دنبال خواهید کرد؟

بارها مردم و آهنگسازان گوناگون پیشنهاد اجرای سبک های پاپ و اشعاری با ادبیات محاوره داده اند و حتی خودم آثار از این دست بسیار

ساخته ام، اما هرگز تا به امروز در کنسرت هایم از اجرای موسیقی سنتی و محافظت از آن دست برنداشته ام.

همیشه ندایی به قلبم الهام بخشیده است که من جزو تنها هنرمندانی هستم که در این مکتب با اقبال روبه روست، چرا که همه ی همکارانم به موسیقی پاپ گرایش پیدا کرده اند تا اقبال داشته باشند.

به جز موسیقی، به چه فعالیت هایی علاقه مند هستید؟

به جز موسیقی، به کشاورزی و پرورش، فعالیت در زمینه ی گردشگری و ورزش پاراگلاایدر علاقه مندم.

چه کسی بیشترین تأثیر را بر دیدگاه فکری و هنری شما داشته است؟

بله، استادان زیادی داشته ام در زمینه های گوناگون، اما کسی که دیدگاهم، عمق ادبیات کلاسیک و ایدئولوژی ام را پرورش داد، دکتر علیقلی محمودی بختیاری است. بسا آموختن دیدگاه ادبی ایشان، آشنایی با عرفان را درست آموختم. آثاری که ایشان در ادبیات پارسی تحلیل کرده اند، درست ترین مسیر را پیش روی من گذاشت.

بزرگترین ترس شما در مسیر هنری چیست؟

از چیزی ترسی ندارم. رسالتم را درست انجام داده ام و جامعه را بسیار خوب شناختم. تاوان های بزرگ پس داده ام و تجربیاتی دارم که از هر چیز بی نیاز هستم. خواندن رسالتی است که روزگار و هستی بر دوش من نهاده است. روزی که مأموریتم پایان یابد، خرسندم و پس از آن زندگی را دیگر گونه ادامه خواهم داد.

در خلوت خود بیشتر به چه موسیقی ای گوش می دهید؟

من همه نوع موسیقی را گوش می دهم، هر کدام در زمان مناسب، اما اگر ایشم برای شنیدن موسیقی محلی ایران است. موسیقی تالشی، گیلکی، ترکمن، مازنی، خراسانی، کردی؛ نغمه هایی که از دل طبیعت برمی خیزند و واقعی هستند.

امروز موفقیت را چگونه تعریف می کنید؟

معیارم برای موفقیت، بی نیاز بودن از حمایت اسپانسر هاست. همیشه سالن های کنسرتم سرشار از مردمی است که به من ارزش بخشیده اند. موفقیت، به دست آوردن قلب مردم است.

شهرت چه تأثیری بر زندگی شخصی شما داشته است؟

زندگی هنری در کنار شهرت و این فشار کار، آسیب های زیادی به خانواده ی خود هنرمندان وارد می کند. مدارا می کنیم، می سوزیم و می سازیم

پیام شما به مخاطبانی که فقط صدای شما را می شناسند چیست؟

هنرمندان را هرگز قضاوت نکنند و معیارشان آثار و زبان هنرمندان باشد.

بینی که فلسفه ی شما را خلاصه کند؟

تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار که رحم اگر نکنند، مدعی خدا بکنند

